

بررسی و نقد نظریه جواز سقط جنین از منظر فقهای امامیه

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۲۰

تاریخ تأیید: ۸۷/۶/۱۰

مرتضی طبیبی جبلی *

چکیده

مسأله سقط جنین در حد وسیع و گسترده، از جمله مسائلی است که محصول تحولات علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و ارتباط تنگاتنگی با انفجار جمعیت، محدودیت منابع، حقوق بشر، حقوق و آزادی زنان، منافع دولتها و بالاخره مصالح جامعه بشری دارد. طرح گسترده دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان طرفدار جواز بی قید و شرط سقط جنین، بسیاری از دولتها را در نیمه دوم قرن بیستم تحت تأثیر قرار داد که این امر، موجب شده است همه ساله، میلیونها جنین به طور قانونی از بین بروند.

جهان اسلام، در عین واقع بینی، بر اساس مبانی اسلامی، سقط جنین را حرام و نامشروع می داند و فقه امامیه نیز با و با روشن بینی مبانی مستحکم، با این معضل اجتماعی مواجه شده و با این که در برخی موارد، سقط جنین را مجاز دانسته، با جواز بی قید و شرط آن مخالف است.

واژگان کلیدی: جنین، سقط جنین، حقوق بشر، حقوق زن، ناهنجاریهای جنینی

مقدمه

واقعیت این است که سقط جنین*، از ادوار گذشته تاکنون، در همه جوامع بشری به دلایل یا بهانه‌های مختلف آشکار و نهان، توسط مادر، والدین، پزشکان و اشخاص فاقد صلاحیت، به صورت جنایی (عمدی)، ضربه‌ای (شبه عمد و خطای محض) و درمانی (قانونی) انجام گرفته است و همیشه وجدان فردی و جمعی در مقابل بسیاری از سقط جنینها آزرده خاطر شده، آن را جنایت به بشریت و تجاوز به حق حیات دانسته است و همواره این سؤال مطرح بوده که آیا سقط جنین مطلقاً ممنوع است یا مطلقاً جایز و مشروع؟ در پاسخ به این سؤال به ظاهر ساده، افراد و اقشار جامعه، بویژه فقها، حقوق‌دانان، متخصصان علوم پزشکی، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، با توجه به شرایط حاکم و واقعیت‌های اجتماعی، و متأثر از فضای حاکم بر عقاید و افکار خویش، و همچنین با عنایت به تعالیم انبیای الهی و کتب آسمانی، عقاید گوناگونی داشته و نظرات مختلفی ارائه داده‌اند. (محقق داماد، ۱۳۸۰: ص ۱۲۲)

در این مقاله، از منظر فقه امامیه، دلایل موافقان سقط جنین، در دو بخش و یک نتیجه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش اول: بررسی زمینه‌ها و مبانی اختلاف

الف) زمینه‌های اختلاف

انسان قرن بیستم، با سرعت از معنویات و اخلاق فاصله گرفت و پشت پا به بسیاری از ارزشهای پذیرفته شده در تمام جوامع بشری زد؛ از جمله اینکه به زعم خود، به انسان آزادی داد و از حقوق بشر دفاع کرد و یکی از مصادیق حقوق بشر را آزادی روابط جنسی قلمداد نمود، اما در عمل، دچار تعارضات گوناگون گردید که مسأله سقط جنین، یکی از نمونه‌ها و نتایج آن است. پذیرش آزادی بی حد و حصر روابط جنسی و شیوع آن در سنین مختلف، طبعاً منجر به بارداریهای ناخواسته بی‌شماری می‌شود (به طور مثال، همه ساله در ایالات متحده آمریکا از هر هشت زن، سیزده تا نوزده ساله، یک

* - معادل آن در زبان عربی اجهاض، اسقاط، املاص، اسلاب و طرح است و در زبان انگلیسی عبارت است از: abortion - pregnancy termination - aborserment - feticide

نفر باردار می‌شود که چهل درصد از این حاملگیها به سقط جنین می‌انجامد.) (Mille & etc., 1997: P.171) که گاهی ناشی از روابط جنسی خودخواسته (زنا) و گاهی ناشی از زنا می‌باشد.

مسئله بارداری مانع و سد بزرگی در مقابل این آزادی ایجاد می‌کند و بشر را بر سر دو راهی قرار می‌دهد؛ زیرا میل شدید به آزادی این روابط و برشمردن آن از مصادیق حقوق بشر از یک طرف، و جنینهای محصول این رابطه از طرف دیگر، مستلزم ترجیح یکی بر دیگری و ناگزیر موجب تضعیف و یا از بین رفتن آن می‌شود. از این رو، این عده، دانسته یا ندانسته به علت اصلی نپرداخته و مبارزه با معلول را وجهه همت خود قرار داده‌اند و به جای بازگشت به نظم و ضوابط اجتماعی و ارزشهای اخلاقی، که محصول تلاش فرزندان و بویژه انبیا و اولیای الهی بوده است، به حرکتی ارتجاعی رو آورده، با مسلم و بدیهی فرض کردن آزادی روابط جنسی، قویاً معتقد به از میان برداشتن هر مانعی و از جمله مسئله زنان باردار شدند. بدین ترتیب، با استناد به حقوق بشر، حقوق زن و به تعبیر صحیح‌تر، با استناد به اصل حاکمیت و حقانیت! در تعارض میل و خواسته مادر و حق حیات جنین، بی‌پناه‌ترین و بی‌دفاع‌ترین موجود، محکوم به نابودی می‌شود. اینان بر رعایت حقوق زنان پافشاری می‌کنند و معتقدند در جوامع غربی، قانونی شدن سقط جنین می‌تواند شفا و درمان بسیاری از امراض اجتماعی باشد. (Willke, chapter 1) با این وجود، هنوز بسیاری از کشورها با جواز مطلق سقط جنین مخالفند (Summery 2002. P.P.1-5) و ارباب کلیسا (محقق داماد، ۱۳۸۰: ص ۱۴۲) و حتی مردم برخی از کشورهای اروپایی بر این خواست خود پافشاری می‌کنند؛ برای مثال، مردم ایرلند شمالی در بیست سال گذشته، پنج بار درباره سقط جنین به پای صندوقهای رأی رفته‌اند و در هر بار، اکثریت آرا با مخالفان بوده است. آنها در همه پرسشهای مکرر نیز بر این خواست خود پافشاری کرده‌اند. (Europe's terms for terminations, 2002: P.P.1-3)

ب) مبنای اختلاف

برای درک درست نظر مخالفان و موافقان سقط جنین، باید مبنای اختلاف مشخص شود. آنگاه ملاحظه خواهد شد که مبنای اختلاف، در تفاوت برداشت از حیات انسانی، حیات جنین، شرافت جنین، حقوق بشر و حقوق زن است.

موافقان، حل معضلات عظیم اقتصادی و اجتماعی را نسبت به مساله سقط جنین با اهمیت‌تر دانسته، با استناد به حقوق بشر و لزوم رفع تبعیض و همسان‌سازی حقوق

زن و مرد، سقط جنین را از حقوق مسلم زن قلمداد کرده، آنچه را که در رحم در حال رشد است، جزئی از اجزای مادر، فاقد حیات انسانی و تنها تکه‌ای گوشت، غضرف یا بافتی می‌دانند که فاقد هرگونه حقی است، (Fletcher & etc., 1998: P.17) بنابراین مستحق کمترین احترام و توجه نیست. از نظر ایشان، اولین نگرانی و دلوپسی، باید معطوف به سلامت روحی، جسمی، رفاه و موقعیت خوب اجتماعی و آسودگی و آسایش مادر باشد.

از منظر فقهای امامیه، جنین موجودی محترم است و سقط آن، به جز مواردی که به عنوان ثانوی، سقط آن مجاز شناخته شده است، در هر مرحله‌ای که باشد، به استناد کتاب، سنت، عقل و اجماع، حرام و نامشروع است؛ زیرا شیعه امامیه، به زندگی نوع بشر، آن چنان اهمیت داده که از همه مرزهایی که فقهای مذاهب اسلامی در آنجاها توقف کرده‌اند، گذشته است. شیعه امامیه برای بذری که انسان از آن پدید می‌آید، پیش از آنکه در رحم زن افکنده شود، عوض مالی (ارش) معین کرده است و سپس در تعیین این عوض مالی، بر حسب مراحل رشد و نمو جنین در شکم مادر، درجه درجه پیش رفته است. (احمد ادریس، ۱۳۷۷: ص ۱۸۵)

از نظر ایشان، حیات جنینی دو مرحله اساسی دارد، (آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون) از ابتدای انعقاد نطفه، تا زمان دمیده شدن روح، و از زمان دمیده شدن روح، تا زمان تولد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ص ۲۹۵ و محقق حلی، ۱۴۰۹: ص ۱۰۴۵ و شهید اول، ۱۴۱۱: ص ۲۶۷) در مرحله دوم، جنین، انسانی همانند سایر انسانهاست و قتل انسان، به دلایل متعدد، حرام است که از جمله دلایل، آیه ۱۵۱ سوره انعام است که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ این آیه دلالت بر حرمت سقط جنین، بعد از دمیده شدن روح دارد.

عقل نیز حکم به حرمت ظلم می‌کند و سقط جنین را ظلم می‌داند؛ زیرا سقط جنین، تعدی نسبت به کسی است که قادر به دفاع از خود نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۶)

اما قبل از دمیده شدن روح، سقط جنین، به دلیل اینکه دارای حیات نباتی است و انسان بالفعل نیست، قتل نفس محسوب نمی‌شود؛ (خوئی، ۱۴۰۷: ص ۴۰۹؛ حسینی بهشتی، ۱۳۷۹: ص ۷۰) اما به دلایل زیر، حرام و نامشروع است:

دلیل اول: روایاتی که دلالت بر حرمت سقط نطفه‌ای که در رحم واقع شده می‌کنند، دلالت بر حرمت سقط جنین در مراحل بعدی نیز می‌نمایند؛ از آن جمله است روایت اسحاق بن عمار:

«قال: قلت لابی الحسن علیه السلام: المرء تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی

بطنها - قال: "لا، فقلت: انما هو نطفه، فقال: ان اول ما يخلق نطفه" (حرعاملی، ج ۲۹، ص ۲۶): به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم، زنی از آبستنی‌اش می‌ترسد، دارویی می‌خورد تا آنچه در بطن دارد، بیندازد، (آیا چنین عملی جایز است؟) فرمود: خیر! عرض کردم (جنین در مرحله) نطفه است. فرمود: اولین چیزی که خلق می‌شود، نطفه است. چنانچه ملاحظه می‌شود، در این روایت، امام علیه السلام می‌فرماید: اولین منزلگه موجود انسانی نطفه است. کلمه «لا» در جواب این سؤال که آیا سقط جنین جایز است، صراحت در تحریم دارد.

دلیل دوم: صحیحہ ابی عبیدہ از ابی جعفر علیه السلام: «فی امراه شربت دواء و هی حامل لتطرح ولدها فالقت ولدها فقال:

«ان کان عظما قد نبت علیہ اللحم و شق له السمع و البصر فان علیها دیتہ تسلمها الی ابيه و ان کان جنینا علقه او مضغه فان علیها اربعین دیناراً او غره تسلمها الی ابيه» قلت: فہی لاترث من ولدها من دیتہ؟ قال: "لا، لانها قتلتہ".

امام باقر علیه السلام درباره زن بارداری که دارویی می‌نوشت تا فرزندش سقط شود و فرزند هم سقط می‌شود، فرمود: اگر آنچه سقط شد، به مرحله‌ای رسیده باشد که دارای استخوان و گوشت و چشم و گوش باشد، بر زن واجب است دیه او را به پدرش بپردازد. اگر به این مرحله نرسیده و علقه یا مضغه باشد، باید چهل دینار و یا عبد یا کنیزی را به پدر او بدهد. راوی گوید: پرسیدم: آیا زن از دیه فرزند خود ارث نمی‌برد؟ فرمود: خیر؛ چون زن، او را کشته و قاتل ارث نمی‌برد.

این روایت، به ضمیمهٔ ادله حرمت قتل نفس (از جمله آیه ۳۲ سوره اسراء)، بر حرمت سقط جنین در مراحل علقه، تا قبل از دمیده شدن روح دلالت می‌کند.

دلیل سوم: از روایاتی که بر وجوب تأخیر رجم زانیهٔ باردار تا وضع حمل دلالت می‌کنند، استنباط می‌شود که حفظ جنین، امری لازم و واجب و سقط آن، حرام و نامشروع است. (خرازی، المقام السادس) از جمله مرسله شیخ مفید از امام امیرالمومنین علیه السلام: «انه قال لعمر و قد اتی بحامل قد زنت فأمر برجمها، فقال له علی ۷: هل لك سیبل علیها، ای سیبیلک علی ما فی بطنها و اللہ یقول: و لاتزر وازره و زر اخری؟ فقال عمر: لاعتشت لمعضله لایکون لها ابوالحسن، ثم قال: فما اصنع بها یا اباالحسن؟ قال: احتط علیها حتی تلد، فإذا ولدت و وجدت لولدها من یکفله فاقم الحد علیها» (حرعاملی، همان، ج ۲۸، ص ۱۰۸)

زن باردار زناکاری را نزد عمر آوردند. وی حکم به رجم آن زن کرد. حضرت

علی‌علیه السلام به عمر فرمود: اگر سلطه‌ای بر زن، به واسطه زناکار بودن او داری، چه اختیاری نسبت به فرزند داخل رحم او داری؟ خداوند می‌فرماید: هیچ کسی بار گناه دیگری را بردوش نمی‌کشد. عمر گفت: در معضلی که پیش آید و ابوالحسن آنجا حاضر نباشد زنده نباشم. و ادامه داد: ای ابوالحسن! با او چه کنم؟ امام‌علیه السلام فرمود: از او نگهداری کن تا زایمان نماید و زمانی که فرزند را به دنیا آورد و کسی برای سرپرستی طفل پیدا شد، حد را بر او جاری کن.

این در حالی است که از ائمه معصومین، علیهم السلام، روایت شده: «لیس فی الحدود نظر ساعه»؛ (حر عاملی: ج ۲۸، ص ۴۷) با این حال این روایات، بر تأخیر اجرای حد بر زانیه حامل، دلالت می‌کند و ظهور دارد که لزوم حفظ جنین، علت تاخیر اجرای حد است. (خرازی، المقام السابع)

دلیل چهارم: روایات متواتر یا قریب به تواتر، دلالت بر وجوب دیه برای سقط جنین می‌کنند. فقهای امامیه نیز به اجماع، دیه را برای جبران خسارت ناشی از جنایت بر غیر، واجب و لازم دانسته‌اند. در این خصوص، شیخ طوسی چنین فرموده است:

دیه جنین تام الخلقه که روح در او دمیده نشده باشد، یک صد دینار است.... دلیل ما، اجماع فقهای امامیه و اخبار و روایات است.»

وجوب پرداخت دیه، به دلالت التزامی بر حرمت سقط جنین حکم می‌کند؛ زیرا دیه، جبران کننده خسارت حاصل از جنایت است و سقط عمدی، بدون اذن شارع، قطعاً حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۶)

به عبارت دیگر، با توجه به اینکه اصل در وجوب دیه، این است که به سبب جنایت باشد، و جنایت عمدی نیز قطعاً حرام است، پس اسقاط عمدی جنین در هریک از مراحل رشد، حرام خواهد بود. (همان: ص ۲۸۸)

ممکن است به این دلیل خدشه وارد شود که تلازمی بین لزوم پرداخت دیه و حرمت وجود ندارد. برای مثال، اگر شخصی در خواب با غلطیدن روی کودکی، موجب مرگ وی شود، با اینکه پرداخت دیه لازم است، ولی گناهکار نیست. در جواب گفته می‌شود، اگر چه وجود تلازم بین لزوم پرداخت دیه با حرمت، محل بحث و مناقشه است؛ ولی مدعای ما، اقدام عمدی بدون اذن شارع است؛ یعنی کشتن عمدی انسان و سقط عمدی جنین در هریک از مراحل رشد، مد نظر است.

با روشن شدن زمینه و مبنای اختلاف، اینک ادله موافقان سقط جنین مورد بررسی

و ارزیابی قرار می‌گیرد.

بخش دوم: بررسی و نقد ادله موافقان سقط جنین

موافقان و مخالفان جواز سقط جنین، از یک سرزمین، یک طبقه اجتماعی، یک طرز فکر و مکتب خاصی نیستند؛ از این رو، هر گروه، متناسب با آرا و عقاید خویش، برای جواز یا عدم جواز سقط جنین، دلایلی ارائه می‌دهند. برخی مطلقاً تجویز، برخی مطلقاً منع، و برخی تحت شرایطی اجازه می‌دهند. نظرات گروه اخیر نیز، به لحاظ کمیت و کیفیت شرایط با هم دیگر تفاوت‌هایی دارند. در ذیل، اهم مواردی که موافقان سقط جنین، برای بیان ضرورت تشریع و قانونی شدن سقط جنین بیان کرده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- حقوق و آزادی زن

موافقان سقط جنین و از جمله مدعیان طرفداری از حقوق بشر و طرفداران حقوق

زن و فمینیستها بر این باورند که:

اولاً، یکی از مصادیق آزادی و حقوق بشر، مسأله آزادی روابط جنسی است؛ به شکلی که جوامع امروزی، بدون توجه به تعالیم دینی، این امر را پذیرفته و مسلم قلمداد کرده‌اند. انسانها باید بتوانند از آزادیهای لازم بهره‌مند شوند و بدین منظور، باید تسهیلات لازم برای برخورداری از حقوق و آزادی آنان فراهم شده، هر گونه مانعی از سرراه برداشته شود. روشن است که ممنوعیت سقط جنین، یکی از موانع عمده است که قانون‌گذاران کشورهای مختلف باید به بهترین وجه، این مانع را از سر راه بردارند.

ثانیاً: حق هر زن است که به عنوان یک انسان، بر جسم و جان خود مسلط باشد و بدن خود را تحت کنترل قرار دهد و در راستای اعمال این حق مشروع، بتواند سقط جنین نماید؛ به عبارت دیگر، جنین، مادامی که در رحم مادر است، در واقع جزئی از مادر محسوب می‌شود و مادر حق دارد که این جزء را، در صورتی که به هر دلیل مزاحم و زاید بداند، به دلخواه خود سقط نماید و مراکز بهداشتی و درمانی نیز موظفند در اعمال این حق، به وی یاری رسانند (Willke, chapter:P.29)

این در حالی است که جنین، ابداً از هیچ حق قانونی برخوردار نیست (Fletcher & etc., 1998: P.20) و همه زنان حق دارند در مورد باروری خود تصمیم بگیرند و حکومت و جامعه، باید درست به اندازه مردان از حقوق زنان در مسأله باروری حمایت کند. (Schenker & Eisenberg, 1999: PP.167-176) برای نمونه، لازم است به رأی دیوان عالی

کشور آمریکا و قانون فرانسه، که مرتبط با همین موضوع است، توجه شود:

«دیوان عالی کشور ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۲، در دعوی Parnenthhood.V. Casey، مجدداً رأی Roe. V. Wade را تصدیق و تأیید نمود. به موجب رأی مزبور، یکی از حقوق اساسی زنان این است که در کلیه مراحل آبستنی بتوانند درخواست سقط جنین نمایند. البته به موجب این رأی، هریک از ایالات این حق را هم دارند که در مورد شیوه انجام سقط جنین (مثلاً با دارو یا جراحی) آیین نامه‌ای تنظیم نمایند و همچنین می‌توانند سقط جنین را در مورد جنین‌هایی که قابلیت حیات دارند (able to live outside the womb) ممنوع کنند، مگر در مواردی که حیات یا سلامتی مادر در معرض مخاطره باشد»، بعلاوه، دیوان عالی آن کشور مقرر نمود: «ایالات می‌توانند، وقتی زن باردار به سن قانونی نرسیده باشد، حداکثر ۲۴ ساعت سقط جنین را به تأخیر انداخته و نسبت به اخذ رضایت‌نامه از یکی از والدین زن باردار، اقدام و یا موافقت قاضی را برای انجام سقط جنین اخذ نمایند.» (State Abortion laws, 1973: P.2)

مجلس قانون‌گذاری فرانسه، در تاریخ سی‌ام ماه می سال دوهزار و یک، قانون جدیدی را تصویب کرد که به موجب آن، زمانی را که مادر می‌تواند درخواست سقط جنین کند، از ده هفته به دوازده هفته افزایش داد و کسانی که مانعی در دسترسی به سقط جنین برای مادر فراهم کنند، مجرم شناخته شده و به مجازات مقرر می‌رسند. (Europe's terms for terminations: france, 2002: P.2)

در بین ۱۹۳ کشور جهان، تنها بیست و شش کشور، سقط جنین را مطلقاً جایز و قانونی می‌دانند. (Summery Abortion Law Around the World, 2002: PP.1-6)

در مقابل، فرهیختگان و فرزندان جهان، فقهای اسلام و ارباب کلیسا و به طور کلی، وجدان بیدار انسانی، با این طرز تفکر که کمترین ارزشی برای موجود شریفی که خداوند در خلقتش فرموده است: «فتبارک الله احسن الخالقین»، در نظر نگرفته‌اند، شدیداً مخالف است.

قبل از تشریح دیدگاه فقه، تذکر مطالبی لازم به نظر می‌رسد:

منظور طرفداران جواز سقط جنین (Pro-choice) بنابر میل و خواست زن، این است که زن حامله، ملزم به ارائه هیچ دلیلی، اعم از موجه و غیر موجه نیست، و در غالب موارد، ایشان، قصد از بین بردن موانع پیش روی آزادی روابط جنسی را دارند؛ در حالی که بی بند و باری در روابط جنسی، با فلسفه ارسال رسل، که متمیم مکارم اخلاق است، منافات

دارد؛ بنابراین امری ناپسند و مردود است. بعلاوه، رعایت این آزادی، نمی‌تواند مجوز سقط جنین باشد؛ زیرا به حکم عقل و وجدان آزاد انسانی، اگر میل و خواست زن و یا لزوم التذاذ جنسی در یک کفه ترازو، و قتل نفس محترمه در کفه دیگر ترازو قرار داده شود، هرگز میل و خواست و التذاذ جنسی، مساوی با جواز سقط جنین، بویژه بعد از دمیده شدن روح نخواهد بود، بلکه رعایت حق حیات، بر میل، خواست و لذت جنسی مقدم خواهد بود. بنابراین سقط جنین، برای عدم محدودیت این آزادی، مجوزی نخواهد داشت. اما این نیز جنین را جزیی از بدن مادر قلمداد کرده، او را برای از بین بردن این جزء ذیحق می‌دانند، قابل قبول نیست؛ زیرا اصل ادعا محل تردید است؛ چون قیاس جنین با اجزای بدن یک انسان، قیاس مع الفارق است؛ به این دلیل که دست و پا و سایر اجزای بدن، حقیقتاً جزء بدن است؛ ولی جنین جزئی از اعضای بدن مادر نیست، بلکه خود انسانی کامل یا نارس با شرافت و حرمتی کاملاً یا تقریباً همانند مادر است که چند صبحا میهمان مادر بوده و در رحم وی بسر می‌برد به همین اعتبار است که در زبان عربی و لسان قرآن به جنین، حمل و به مادر، حامله اطلاق می‌شود و اگر جنین جزئی از بدن مادر محسوب شود، اتحاد حامل و محمول لازم می‌آید.

اگر به فرض، جنین، جزئی از بدن مادر، محسوب شود، باز این مسأله، مجوز سقط جنین نیست؛ زیرا انسان، مالک تمامیت جسمانی خود، یعنی مالک نفس خود هم نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ص ۲۲) و بنابراین حق خودکشی ندارد (قال الصادق علیه السلام: «من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنم خالداً فیها» (حر عاملی: ج ۱۹، ص ۳۷۸) قال الله عز و جل: «و لا تقتلوا انفسکم ان الله بکم رحیم و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً» (نساء، ۲۹/۳۰) و خودکشی گناه بزرگی محسوب می‌شود؛ پس به طریق اولی، انسان، مالک نفس دیگری، اگرچه فرزندش باشد، نبوده و حق کشتن دیگری (سقط جنین) را هم نخواهد داشت.

اگر میل و خواسته زن را از زاویه‌ای دیگر، یعنی در باردار شدن یا نشدن در نظر بگیریم، باید گفت: این آزادی نیز مانند آزادیهای دیگری که در جوامع بشری حکم فرماست، مطلق نبوده و دارای قید و شرط و محدودیت‌هایی است؛ از جمله اینکه اگر زن باردار شد، دیگر نسبت به نتایج آن مختار و آزاد نخواهد بود و ملزم است نتایج و عواقب آن را بپذیرد.

است که اولاً، این مورد، خارج از موضوع بحث است؛ زیرا عنوان بحث، آزادی سقط جنین، بنابر میل و خواست زن، یعنی بدون نیاز به ارائه هرگونه دلیل و تمسک به هر عذری است؛ در حالی که موارد زنای به عنف، یکی از معاذیر است که شاید بتواند در برخی موارد و تحت شرایطی به استناد قواعد فقهی از جمله قاعده لاجرح، عذری موجه برای سقط جنین قلمداد شود. ثانیاً، چون اجتماع بشری، یک پیکره واحد است، عوارض ناشی از فساد و انحراف جوامع، دامن گیر همه افراد، اعم از مقصر و غیر مقصر می شود، و یکی از نتایج شوم آن، بارداری ناشی از زنای به عنف است که در هر حال، موجبات بروز مشکلات متعددی را برای این دسته از زنان فراهم می آورد.

از منظر فقه امامیه، با وجود احترام به حقوق و آزادی زنان در حدود موازین شرعی و قطع نظر از اینکه منشأ حاملگی زن چه بوده و انگیزه زن برای سقط جنین چیست، به لحاظ اینکه اصولاً از زمان استقرار نطفه، سقط جنین، حرام است، و قبل از نفخ روح، تنها به استناد دلیلی جدی، مثل حرج شدید، سقط جنین، مجاز دانسته شده است و بعد از نفخ روح، بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، مطلقاً جایز نیست و بنابر نظر برخی، تنها در مواردی که جان مادر در خطر است، تحت شرایطی جایز است، سقط جنین به صرف میل و درخواست زن، و فقط برای رعایت آزادی و حق انتخاب او، دلیلی محکم محسوب نشده، نمی تواند مشروع تلقی گردد.

در هر حال، آنچه از فحوای کلام فقهای امامیه استنباط می شود این است که جنین، از ابتدای انعقاد نطفه، یک انسان است، ولی یک انسان ناقص،... جنین قبل از نفخ روح، یک گیاه یا یک لاشه حساب نمی شود، و خود، دارای حقوقی است. یکی از این حقوق، حق حیات است و همان طور که رعایت حقوق و آزادی زنان امری پسندیده و لازم است، متقابلاً رعایت حقوق جنین، بویژه حق حیات وی، که از نظر سیستم دفاعی و وضعیت حیاتی در موضع ضعیف تری است و حتی نیاز به حمایت بیشتری دارد نیز ضروری به نظر می رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۶، تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۳۳۳)

۲- حفظ جان مادر

در دوران گذشته، میلیونها زن در دوران بارداری به دلایل مختلف جان خود را از دست داده اند؛ در حالی که در زمان حاضر ضرورت دارد بشر متمدن، نسبت به رعایت حقوق مادران، دقت نموده و حساسیت بیشتری مبذول دارد و از تلفات بیشتر زنان جلوگیری کند و در مواردی که حیات مادر در معرض تهدید قرار می گیرد، بدون هیچ

گونه تردیدی، سقط جنین مشروع قلمداد شود.

قوانین بسیاری از کشورها از جمله ایران، برزیل، اندونزی، ایرلند شمالی، لبنان، فرانسه و انگلستان، اسقاط جنین را برای حفظ حیات مادر و هنگامی که جان او در خطر باشد، اجازه می‌دهند؛ با این تفاوت که در برخی کشورها، مثل فرانسه (FranceLaw, 1980: P.3) در چنین شرایطی، از زمان انعقاد نطفه تا هنگام وضع حمل، چنانچه استمرار حاملگی منجر به تهدید جانی برای مادر باشد، مطلقاً امکان سقط جنین وجود دارد و در برخی دیگر، مثل ایران، انگلستان و آفریقای جنوبی، جواز آن را مقید به شرایط خاصی نموده‌اند. (Summery Aboration Law Around the world, 2002 :P.2)

از منظر فقه امامیه، سقط جنین برای حفظ جان مادر، در دو دوره قابل بررسی است، قبل، و بعد از دمیده شدن روح.

الف) قبل از ولوج روح، اگر مادر بترسد که ادامه بارداری موجب مرگش شود، بین وجوب حفظ نفس و حرمت سقط جنین، تراحم ایجاد می‌شود و با وجود اهمیت حفظ جان مادر نسبت به سقط جنین، مادر بر جنین ترجیح داده می‌شود و سقط جایز خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۶، تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۲۲۳)

ب) بعد از ولوج روح، عده‌ای، بر این باورند که جنین، حیات انسانی دارد و در حرمت نفس انسانی، تفاوتی بین صغیر و کبیر و جنین و طفل وجود ندارد و نمی‌توان برای حفظ جان یک شخص، جواز قتل دیگری را صادر نمود. بعلاوه به مقتضای برخی روایات، حتی در مواقع ضرورت، اضطرار و تقیه (انما جعلت التقیه لیحقن بها الدم، فاذا بلغت التقیه الدم فلا تقیه) (حر عاملی: ج ۱۶، ص ۴۸۲) اجازه ارتکاب قتل و سقط جنین داده نشده است. (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ص ۱۷۲ و تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۲۳۲ و علی محمدزاده، ۱۳۷۵: ص ۱۵۴ و محسنی، ۱۳۸۲: ص ۶۲)

گروهی دیگر معتقدند حتی بعد از دمیده شدن روح نیز می‌توان سقط جنین کرد: (تبریزی، ۱۴۱۶: ص ۲۳۲) اما مبانی متفاوتی دارند.

برخی بر این عقیده‌اند که مادر می‌تواند برای دفاع از جان خود اقدام به سقط جنین نماید (حسینی شیرازی، مسأله ۳۴۵۶ و خرازی، المقام السابع) زیرا در مسأله دفاع، تفاوتی ندارد که هجوم از طرف عامل خارجی باشد یا از طرف عامل داخلی. در اینجا که جنین به عنوان میهمان، جان میزبان را نشانه گرفته است، مادر می‌تواند با سقط جنین، از جان خود حفاظت و دفاع کند.

برخی از باب تزاحم، مادر را مجاز به سقط جنین می‌دانند. برای روشن شدن موضوع، لازم است توضیح مختصری در مورد قاعدهٔ تزاحم داده شود: هرگاه دو حکم برای یکدیگر زحمت و مزاحمتی فراهم نمایند که نتوان به هر دو عمل کرد، این وضع را تزاحم گویند (مشکینی، ۱۴۱۳: ص ۱۰۲) مثلاً، هرگاه شخصی پدر و مادر فقیری دارد که باید مخارج هر دو را بدهد، ولی تنها قادر به تأمین مخارج یکی از آنها است، در این صورت گفته می‌شود: بین حکم وجوب انفاق به پدر و حکم وجوب انفاق به مادر تزاحم وجود دارد. (محمدی، ۱۳۷۵: ص ۲۳۸) در بحث حاضر نیز یا باید مرتکب حرامی شد که همان سقط جنینی است که روح در وی دمیده شده است، یا باید واجبی را ترک کرد که حفظ جان مادر از هلاکت است. این دو با هم تزاحم دارند، یعنی اگر مادر بخواهد مرتکب حرام شود، بناچار باید واجبی را ترک کند. و آن وجوب حفظ نفس خود است. و اگر بخواهد ترک واجب نکند لاجرم، مرتکب حرام خواهد شد، و در باب تزاحم و دوران بین محذورین، اگر مرجعی بر یکی از دو طرف نباشد، عقل حکم به تأخیر می‌کند. (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ص ۴۱) بنابراین زن باردار مخیر بین حفظ نفس خود یا سقط جنین است.

برخی معتقدند با استناد به قاعدهٔ اضطرار، حرمت سقط جنین رفع می‌شود.

برای درک بهتر مطلب، لازم است ابتدا تعریف حکم واقعی و حکم اضطراری بیان گردد: حکم واقعی، عبارت است از حکم شرع در هر قضیه‌ای، بدون توجه به علم و جهل مکلف که ممکن است بدان پی ببرد و ممکن است پی نبرد و حکم اضطراری، که به آن حکم واقعی ثانوی می‌گویند، حکمی است که برای مکلف با توجه به حالات مختلف او، به استثنای حالت علم و جهل، وضع می‌شود.

این گروه از فقها با استناد به آیهٔ سوم سوره مائده (که می‌فرماید: فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم فان الله غفور رحیم؛ آنها که در حال گرسنگی دستشان به غذای دیگری نرسد و متمایل به گناه نباشند، مانعی ندارد از گوشت‌های ممنوع بخورند. خداوند آمرزنده و مهربان است.) و آن فراز از حدیث نبوی رفع که می‌فرماید: «رفع عن امتی... و ما اضطرروا الیه...» (از امت من، چیزی که به آن اضطرار پیدا نمودند، برداشته شده است.) ادعا نموده‌اند که مقتضای این ادله، رفع حرمت از سقط جنین، به هنگام اضطرار است و همان طور که فقها عموماً به ادلهٔ اضطرار برای خوردن مردار، عمل نموده‌اند، در مسأله سقط جنین نیز به همین ادله تمسک می‌شود و چون فقط امکان حفظ جان یک نفر وجود دارد، مادر اضطراراً با سقط جنین، جان خود را حفظ می‌کند و این

عمل وی، با استناد به ادله فوق، حرمت و ممنوعیتی ندارد. (خرازی، المقام السابع)

در نهایت، عده‌ای بر اساس بنای عقلا که در چنین مواردی فرد را مخیر بین دو امر می‌کنند. مادر را مخیر در سقط جنین یا حفظ جان خود می‌دانند. (همان)

بنابراین سقط جنین برای حفظ جان مادر، قبل از دمیده شدن روح، اجماعاً و بعد از دمیده شدن روح بر اساس برخی مبانی مجاز خواهد بود و نظر معتقدین به جواز سقط جنین، در چنین مواردی از منظر فقه امامیه، منطقی، مشروع و مبتنی بر بنای عقلاست.

۳- حفظ سلامت جسمی و روانی مادر

موافقان، در مواردی نیز که سلامت روانی یا جسمی مادر در معرض تهدید باشد، برای رعایت حقوق بشر و حقوق زن، اجازه سقط جنین می‌دهند و البته بدیهی است که این عنوان، مبهم و دایره آن بسیار وسیع است؛ زیرا حفظ سلامتی مادر و به عبارت دیگر، جلوگیری از ضرر به سلامتی وی، از نظر شدت و ضعف دارای مصادیق گوناگونی است؛ از قبیل:

- ابتلای مادر به بیماری صعب‌العلاج یا غیر قابل‌علاجی که نیاز به درمان مستمر دارد و تأخیر در درمان در حین بارداری، موجب کاهش طول عمر وی شده و سلامتی او را در معرض خطر قرار می‌دهد.

- ابتلای مادر به نقص عضو دائمی در صورت ادامه بارداری

- ابتلای مادر به نوعی بیماری که به ظاهر خطرناک نبوده و حیات وی را به مخاطره نمی‌اندازد و موجب نقص عضو اساسی یا مرگ مادر نمی‌شود؛ مثل بیماری‌های مربوط به لثه و دندان.

موافقان سقط جنین، بدون اختصاص مسأله به یکی از موارد فوق، معتقدند زمانی سلامت زنان افزایش می‌یابد که به آنان فرصت داده شود و یا نسبت به مسأله تولید مثل، حق انتخاب داشته و نسبت به جلوگیری از بارداری یا ادامه آن و یا سقط جنین حق انتخاب داشته باشند. (Schenker & Eisenberg, 1997 :P.167)

قوانین برخی از کشورها مثل شیلی، السالوادور، چاد و برزیل، هنگامی که استمرار بارداری موجب به خطر افتادن سلامت روحی و یا جسمی مادر شود، سقط جنین را جایز نمی‌دانند و برخی مانند سنگاپور، اسپانیا، سوئد، ایتالیا و نپال، مطلقاً جایز می‌دانند و سرانجام، برخی از کشورها از جمله ژاپن، ارمنستان، بلغارستان و قزاقستان تا شش ماهگی جایز می‌دانند.

از نظر فقه امامیه، سقط جنین برای حفظ سلامتی جسمی و روانی مادر، قبل از دمیده شدن روح، تنها به استناد قاعده نفی عسر و حرج و قاعده لاضرر، در صورتی که بقای جنین مستلزم نقص عضو یا درد غیر قابل تحمل برای مادر باشد و زنده نگه داشتن جنین در خارج رحم نیز میسر نباشد، امکان پذیر است و بعد از دمیده شدن روح، به دلیل اینکه این دو قاعده، از قواعد در حق تمامی مکلفین است، نمی تواند به نفع برخی (مادر) و ضرر برخی دیگر (جنین) مورد استناد قرار گیرد (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ص ۴۰۷، مکارم، ۱۳۷۸: ص ۲۹۴ و محسنی، ۱۳۸۲: ص ۶۶) بنابراین سقط جنین برای حفظ سلامتی مادر، اصولاً مجاز نیست و به عنوان ثانوی، تنها در صورت حرج و ضرورت، آن هم قبل از دمیده شدن روح، جایز خواهد بود.

۴- علل اقتصادی

الف) مشکلات اقتصادی دولت‌ها- باید توجه داشت که امروزه تولد هر انسان از منظر اقتصادی، هزینه های زیادی را بر فرد و جامعه تحمیل می کند و دولت‌ها عموماً مایلند، موالید بویژه موالید بی سرپرست و نامشروع که به مراتب هزینه های زیادتری را به بودجه عمومی تحمیل می کنند، کنترل شوند.

ب) عدم استطاعت مالی - اولاً، در اکثر جوامع، بر خلاف قرون گذشته، تکالیف و مسؤولیتهای والدین، فوق العاده گسترده شده و فرزندان تا سنین بالا تحت حمایت والدین و به صورت کاملاً وابسته، به تحصیل یا کسب مهارت‌های گوناگون می پردازند. این مسأله باعث می شود که وجود فرزند، دست کم در کوتاه مدت، نه فقط موجب افزایش ثروت و قدرت مالی خانواده نشود، بلکه هزینه های آن را نیز افزایش دهد، به شکلی که بویژه در جوامع شهری، اداره بیش از دو فرزند، مشکلات فراوانی به همراه دارد. به همین جهت، خانواده ها، بیشتر به علت عدم استطاعت مالی، از داشتن فرزند زیاد گریزانند و بنابراین اقدام به سقط جنین‌های ناخواسته کرده و این عمل را به نفع خود و جنین می دانند.

ثانیاً، تعداد زیادی از حاملگی‌ها، دست کم در جوامع غربی، مربوط به زنان باردار بی شوهر کمتر از بیست سال است (غانم، ۲۰۰۱: ص ۱۲۰) که بعضاً از نظر اقتصادی نه فقط توانایی اداره جنین و فرزند را ندارند، بلکه تحت حمایت والدین خود می باشند؛ بنابراین عدم امکان سقط جنین، علاوه بر سایر مشکلات، منجر به تحمیل هزینه های سنگین دوره بارداری و مراقبت‌های پزشکی و هزینه های زایمان، حضانت و سرپرستی فرزند می شود.

از منظر فقه امامیه، قبل از دمیده شدن روح، فقط با وجود دلیلی جدی و قوی، می‌توان حکم به جواز سقط جنین داد؛ دلیلی که دارای آن چنان مصلحتی باشد که بر حرمت از بین بردن موجودی که قرار است پس از سیر تکاملی خود به مرحله‌ای برسد که دارای نفس انسانی گردد، فایق آید.

بنابراین عدم استطاعت مالی خانواده، عدم تمایل والدین به فرزنددار شدن و مشکلات زنان باردار بی‌شوهر، نمی‌تواند مجوز سقط جنین باشد؛ زیرا اولاً، اینگونه مسائل، در حدی نیست که بتوان مجوز برای سقط جنین صادر کرد؛ ثانیاً، صدور جواز سقط جنین، غفلت یا تغافل از علت و پرداختن به معلول است؛ بعلاوه، در چنین مواردی باید با آموزش مناسب از باردار شدن ممانعت گردد، نه با استناد به فقر و مشکلات اقتصادی، قتل جنین مشروع قلمداد شود.

با این وجود، اگر مسایل فوق، قبل از ولوج روح، و در موارد بسیار استثنایی، حقیقتاً موجب عسر و حرج مادر شود، به نظر می‌رسد به عنوان ثانوی بتواند مجوز سقط جنین تلقی گردد؛ ولی بعد از نفخ روح، بنابر نظر اکثریت قریب به اتفاق فقهای امامیه، نه این مساله و نه هیچ مساله دیگری نمی‌تواند مجوز ارتکاب قتل نفس محترمه تلقی گردد.

۵- علل اجتماعی

الف) لزوم هماهنگی با واقعیات اجتماعی - از نظر موافقان، امروزه در جوامع مختلف، محدودیتهای گذشته جوامع سنتی وجود ندارد. زنان با حقوق خود آشنا شده و سرانه آموزش عمومی، به طور چشم‌گیری افزایش یافته و جوامع بشری، آزادی روابط جنسی را پذیرفته‌اند. روابط آزاد جنسی، منجر به حاملگی‌های ناخواسته زیادی، بویژه بین زنان مجرد کمتر از بیست سال شده است و در چنین شرایطی، این معضل اجتماعی، یعنی عدم امکان و عدم تسهیل سقط جنین اولاً، سلامت روحی و جسمی زنان حامله را به خطر می‌اندازد، ثانیاً، موجب افزایش آمار خودکشی بین چنین زنانی می‌شود، ثالثاً، در اغلب موارد، موجب تحمیل مسؤولیت حضانت و سرپرستی فرزندان به زنانی می‌شود که به علت سن کم، خود نیز تحت سرپرستی بوده و توانایی پذیرش مسؤولیت حضانت و سرپرستی فرزند را ندارند و رابعاً، موجب تحمیل جنین ناشی از تجاوز یا زنای با محارم به زنانی می‌شود که قربانی تجاوز هستند و عدم امکان سقط جنین، آلام ناشی از زنا را صدچندان خواهد کرد.

جامعه پزشکی و سایر دانشمندان، با این معضل به درستی رو به رو شوند و ممنوعیت و عدم تجویز قانونی آن برای حفظ حیات و احترام به حیات جنین، نه فقط موجب وصول به این هدف نمی‌شود، بلکه عملاً علاوه بر سقط جنین، حیات مادران را نیز به خطر خواهد انداخت؛ زیرا در این صورت، آنان چاره‌ای جز سقط مخفیانه، غیر بهداشتی و خانگی و رجوع به افراد بی‌صلاحیت نخواهند داشت.

اصولاً از منظر فقه امامیه، مطالب فوق، اگرچه حقایق تلخ است، نمی‌تواند اطلاعات و عموماً حرمت سقط جنین را تقیید یا تخصیص بزند. بنابراین نمی‌تواند استدلالی محکم برای تجویز سقط جنین و به تعبیری صحیح‌تر و صریح‌تر، مجوز قتل محسوب گردد؛ بلکه باید آسیب‌های اجتماعی ریشه‌یابی و نابود گردند و با تعلیم و تربیت صحیح، مفساد اجتماعی از جامعه ریشه کن شود. پس واقع‌بینی و مقابله صحیح با معضلات اجتماعی، این است که زمینه بروز آنها از بین برود. با این وجود، قبل از ولوج روح، اگر به نظر قطعی یا اطمینان‌آور کارشناسان، مسائل فوق، در حدی باشد که موجبات عسر و حرج و ضرورت را فراهم نماید، می‌تواند مجوز سقط جنین باشد.

ب) ضرورت کنترل موالید - بر اساس نظر کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصادی، ازدیاد یا انفجار جمعیت سبب بروز مشکلات زیادی شده است و از این رو، کنترل موالید از مسائل ضروری زندگی بشر است. این مسأله، به لحاظ محدودیت منابع طبیعی، اقتصادی و وسائل، تجهیزات و امکانات آموزشی، به دولتها به عنوان مدیران جوامع مختلف بشری، این حق را می‌دهد که برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت، قوانین و مقررات مختلفی را وضع نمایند و علاوه بر تجویز قانونی، انجام آن را تسهیل و تشویق نمایند. (غانم، ۲۰۰۱: ص ۱۲۱) با نگاهی منصفانه به مطالب فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت: با اینکه ازدیاد یا انفجار جمعیت، سبب مشکلات زیادی می‌شود، این موضوع نمی‌تواند مجوز سقط جنین باشد.

از نظر فقهای امامیه، اگرچه قبل از دمیده شدن روح، جنین یک انسان کامل قلمداد نمی‌شود، در صورتی سقط آن جایز خواهد بود که ضرورتی محقق شده باشد و بر فرض تحقق ضرورت، کنترل موالید، به دلیل اینکه راه‌های جلوگیری از باروری متعدد و منحصر به سقط جنین نیست، نمی‌تواند مجوز سقط جنین باشد. اما بعد از دمیده شدن روح، به طریق اولی، مشکلات جمعیتی در هر حد و کیفیتی که باشد، نمی‌تواند مجوز سقط باشد؛ زیرا مشکلات مزبور، تا حدی نیست که قتل عمد را مشروع نماید. (مکارم

۶- **زنای به تراضی، زنای به عنف و زنای با محارم:** - این بند را می‌توان با اندک مسامحه‌ای زیر مجموعه بند سه یا قسمت الف بند پنج قرار داد؛ زیرا از یک طرف، وجود جنین ناشی از زنا، بویژه زنای به عنف و زنای با محارم ممکن است منجر به بروز عوارض روانی برای مادر شده و سلامتی وی را به خطر اندازد و از طرف دیگر، مسأله بارداری از طریق زنا، یکی از معضلات اجتماعی است و از این جهت، زیر مجموعه قسمت الف بند پنج قرار می‌گیرد؛ ولی به پیروی از رویه بحث در کشورهای غربی و آمار سازمان ملل متحد در خصوص موارد جواز سقط جنین در کشورهای جهان، و همچنین به خاطر اهمیت آن، لازم دانسته شد تحت عنوان مستقلی مورد بررسی قرار گیرد.

سقط جنین، گاهی برای حفظ آبرو و حیثیت دختران اغفال شده و خانواده‌های ایشان صورت می‌گیرد و این امر ممکن است در مورد جنین ناشی از زنا یا بارداری در دوران نامزدی یا بارداری در دوران عقد اتفاق افتد؛ با این توضیح که در دو مورد اول، جنین ناشی از زنا و نامشروع است و در مورد سوم، تمایل به سقط جنین، برای لزوم پای‌بندی به عرف جامعه، مبنی بر قبح عرفی (نه شرعی و قانونی) مقاربت در فاصله بین انعقاد عقد نکاح تا جشن عروسی که اصطلاحاً «دوران عقد» نامیده می‌شود، می‌باشد.

زنا نیز ممکن است به تراضی یا به عنف و یا با محارم صورت گیرد. برخی موافقان، بدون قید و شرط و برخی در موارد استثنایی و تحت شرایطی، زنای به عنف و با محارم را مجوز سقط جنین می‌دانند؛ مثل کشور فنلاند که در چنین مواردی، مشروط به اینکه عمر جنین از دوازده هفته تجاوز نکرده باشد، اجازه سقط جنین می‌دهد.

فقه‌های امامیه، بین جنین ناشی از رابطه مشروع، زنای به تراضی، زنای به عنف و زنای محارم، از این جهت که سقط جنین در تمام مراحل از زمان انعقاد نطفه تا زمان وضع حمل، به استناد عمومات ادله، حرام است، تفاوتی نمی‌گذارند. با وجود این، به نظر برخی از ایشان، اگر مادر از نظر روحیات فردی و وضعیت خانوادگی و موقعیت اجتماعی به شکلی باشد که برای شخص وی، ادامه بارداری ناشی از زنا، ابداً قابل تحمل نباشد و چه بسا، برای جلوگیری از مفتضح گردیدن، اقدام به خودکشی نماید، تنها در صورتی که به جنین روح دمیده نشده باشد و این امر منشأ حرج شدید باشد، سقط جایز

است (محسنی، ۱۳۸۲: ص ۶۷)

۷- ناهنجاریهای جنینی

موافقان سقط جنین معتقدند، مسأله ناقص الخلقه بودن (tratology) و ناهنجاری (آنومالی) یا اختلال جنینی که مربوط به تکامل غیرطبیعی (Abnormal Development) جنین است و معادل بدشکلی مادرزادی (Malformation Congenital) است، می‌تواند از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد؛ از جمله ترحم به جنین، تا مجبور به تحمل آلام مختلف ناشی از نقص عضو نشود (و این در صورتی است که جنین، انسان تلقی گردد؛ ولی اگر وجودی زاید و یک بافت و نسج بی‌احترام فرض شود، دیگر حقوقی برای وی متصور نیست و در این صورت، برای سقط وی، نیاز به ترحم هم نیست) ترحم به مادر و پدر و رعایت حقوق ایشان، تا بتوانند با سقط جنین از شدت تألمات روانی و مشکلات مادی بکاهند و سرانجام، ترحم به دولت و رعایت حقوق جامعه، تا هزینه سنگین نگهداری چنین موجوداتی به بودجه دولت تحمیل نگردد.

در زمانهای گذشته، قبل از تولد، امکان پی بردن به ناهنجاریها وجود نداشت و بعد از تولد، واقعیت هویدا می‌گردید و معمولاً نوزادان ناقص الخلقه به دلیل فقدان امکانات بهداشتی و درمانی، فوت می‌کردند؛ ولی امروزه، در دوران بارداری، بسیاری از ناهنجاریها و نواقص و بیماریهای جنینی قابل تشخیص است و می‌توان از تولد چنین موجوداتی جلوگیری و به جنین، مادر و اجتماع خدمت نمود.

ناهنجاریهای جنینی متفاوت است:

الف) گاهی چنین جنینهایی، بعد از تولد، قابلیت حیات دارند؛ مثلاً وقتی جنین، اختلال در شنوایی یا بینایی داشته یا فلج بوده و یا مبتلا به بیماری تالاسمی باشد، بعد از تولد، علی‌الاصول قابلیت حیات دارد؛ ولی در هر حال، انسان سالم و کاملی نبوده و حتی گاه دارای حیات نباتی و حیوانی هستند، درک و شعوری ندارند و هزینه درمان و نگهداری آنها مشقات زیاد و طاقت‌فرسایی برای خانواده و بویژه مادر دارد، برای دولت نیز هزینه‌های سنگینی را به همراه خواهد داشت و دلیلی وجود ندارد که مادر، ملزم به ادامه بارداری شود و حامل یک موجود زاید و بی‌خاصیتی باشد که آلام و زجرهای روحی و روانی را بروی و خانواده تحمیل کند؛ پس باید با تجویز سقط جنین، به عوارض فوق خاتمه داده شود. (اشرفی، ۱۳۶۷: ص ۱۴۶ و جهانیان، ۱۳۸۰: ص ۱۲۰)

ب) گاهی بعد از تولد، چنین قابلیت حیات ندارد و بلافاصله یا پس از مدتی خواهد مرد. از این دسته‌اند:

جنین‌های آنانسفال: در موارد آنانسفال، یعنی مواردی که سرجنین به طور کامل

تشکیل نشده و استخوان جمجمه ندارد و مغز خیلی کوچک است یا فاقد مغز است، جنین تا موقعی که در رحم مادر قرار دارد، زنده است و حیات خواهد داشت و بعد از تولد خواهد مرد. زمان تشخیص این بیماری سه ماهه دوم دوران حاملگی است (اشتیاقی، ۱۳۸۰: ص ۱۲۵) و به محض تشخیص قطعی بیماری، ضرورتی ندارد که مادر، حامل جنینی باشد که قطعاً خواهد مرد (جهانیان، ۱۳۸۰: ص ۱۲۱) و چه بسا موجب مشکلات روانی و عاطفی شدید برای مادر شود.

جنین دو سر: وقتی جنینی دارای دو سر است، معمولاً ناهنجاریهای دیگر قلبی، کلیوی و امثال آن را هم دارد و در این موارد، بعد از تولد خواهد مرد (اشرفی، ۱۳۶۷: ص ۱۴۷) پس ضرورتی ندارد که مادر همچنان حامل چنین جنینی باشد و باید با تجویز سقط، مسأله را حل نمود.

جنین هرنی دیافراگماتیک: وقتی جنین مبتلا به این نوع ناهنجاری باشد، به علت فقدان دیافراگم و مشکلات تنفسی، بعد از تولد فوت می‌کند. (جهانیان، ۱۳۸۰: ص ۱۲۱)

جنین مبتلا به منگوسل و میلو مننگوسل: این جنین نیز که مغز وی در خارج از جمجمه تشکیل شده است و در داخل کاسه سر قرار ندارد، نمی‌تواند زنده بماند (همان)، بنابراین سقط آن باید تجویز شود و به نظر می‌رسد منصفانه نیست مادر متحمل چنین جنینی باشد و ظلم مضاعفی در مورد وی اعمال گردد.

از نظر موافقان سقط جنین، این حق مادر است که در چنین مواردی برای رهایی خود از این گرفتاری بزرگ به بارداری خاتمه دهد.

قوانین و رویه دولتها در مقابل این سؤال که اگر جنین ناقص الخلقه باشد یا مبتلا به بیماری غیر قابل علاج باشد یا قابلیت حیات نداشته و به محض تولد بمیرد، متفاوت است. برخی مثل آنگولا، بولیوی، کامرون، چاد و شیلی، در این موارد نیز مطلقاً مخالف سقط جنین هستند و برخی کشورها مانند بنگلادش، گینه و هلند، فقط تا سه ماهگی و قوانین کشورهای نظیر ارمنستان، جمهوری چک و هندوستان تا شش ماهگی و بالاخره قوانین برخی کشورها، مثل کره شمالی و لوگزامبورگ، تحت شرایط خاص و مقررات ویژه، اجازه سقط می‌دهند. (Rahman & etc., 1997: P.5)

از دیدگاه فقهای امامیه، سقط جنین اصولاً حرام و ممنوع است و اگر در مواردی سقط جنین، تجویز می‌شود، بر اساس عنوان ثانوی است. در بحث حاضر، در صورتی که قطعاً یا مطمئناً جنین ناقص الخلقه باشد، مثلاً فاقد شنوایی یا بینایی باشد و یا دستها

یا پاهای وی فلج باشد یا مبتلا به بیماریهایی نظیر تالاسمی باشد، اکثریت فقهای معاصر امامیه، وجود این بیماری را اگرچه سخت و طاقت‌فرسا و هزینه‌بر باشد، مجوز سقط جنین نمی‌دانند و آن را ابتلا و امتحان برای جنین و والدین وی محسوب می‌کنند (طباطبایی، بی‌تا، ص ۲۶) زیرا «آزمایش و ابتلا مطابق بینش اسلامی، یکی از برنامه‌هایی است که خدا، روی بندگان انجام می‌دهد. (آیه ۱۵۵ سوره بقره) (بهشتی، ۱۳۶۲: ص ۱۶۱) بنابراین همان‌طور که مجوزی برای به قتل رساندن انسان بیمار، معلول و ناقص الخلقه وجود ندارد، مجوزی نیز برای سقط جنین ناقص الخلقه وجود ندارد؛ زیرا عمومات حرمت قتل نفس از جمله آیه ۱۵۱ سوره انعام (و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق) این موارد را هم در برمی‌گیرد. ولی برخی فقها، تا قبل از دمیده شدن روح، آن هم نه با استناد به دلسوزی و ترحم نسبت به جنین، بلکه به استناد حرج شدید بر والدین، سقط را تجویز می‌نمایند.

نتیجه‌گیری:

با عنایت به مطالب فوق به خوبی موضع موافقان سقط جنین معلوم گردید که به جز گروه‌های افراطی طرفدار حقوق زن، که مطلقاً سقط جنین را با یا بدون دلیل موجه جایز می‌دانند، در سایر موارد، وجود اختلاف بین اندیشمندان، منطقی است و هر کدام برای اثبات مدعای خود دلایلی دارند. با الهام از آیات الهی و احادیث معصومین (علیهم السلام) می‌توان نتیجه گرفت که بین جنین با انسان، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ ولی با استفاده از عمومات و اطلاقات ادله حرمت قتل نفس و احتیاط در دماء، و برخی روایات، در هر حال جنین در طول دوران بارداری، بالقوه یا بالفعل انسان است و کشتن وی، حرام است و در مواردی که وجود جنین حیات مادر را تهدید می‌کند یا در موارد زنا، ناهنجاریهای جنینی و مسایل حاد اجتماعی و اقتصادی، در صورت تحقق ضرورت یا وجود حرج شدید و تنها قبل از نفخ روح، سقط جنین، جایز و مشروع است.

پس از بررسی اجمالی و کلی قوانین ۱۹۳ کشور جهان، می‌توان نتیجه گرفت که اکثر کشورها جنین را بویژه بعد از مدت معین از شروع دوران بارداری، انسان تلقی کرده و وی را دارای شخصیت و حق حیات دانسته، و برای وی، نوعی احترام و کرامت قائلند و فقط تحت شرایط خاصی سقط آن را مجاز می‌دانند.

منابع

الف - فارسی و عربی

- ۱ - احمد ادريس، عوض، ديه، ترجمه عليرضا فيض، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، چ دوم، ۱۳۷۷
- ۲ - اشرفي، منصور، اخلاق پزشکی، تبريز، دانشگاه آزاد اسلامي تبريز، چ اول، ۱۳۶۷
- ۳ - انصاري، شيخ مرتضي، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامي، چ اول، ۱۴۱۹، مجلد چهارم
- ۴ - اشتياقي، رامين، جنين‌های ناقص الخلقة و سقط جنين، مجموعه مقالات دومين سمينار ديدگاه‌های اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، ۱۳۸۰
- ۵ - بهشتي، احمد، تربيت از ديدگاه اسلام، قم، دفتر نشر پيام، چ اول، ۱۳۶۲
- ۶ - تبريزي، ميرزا جواد، صراط النجاه، قم، انتشارات سلمان فارسي، چ اول، ۱۴۱۶، مجلد اول
- ۷ - جهانيان، منيره، ولوج روح و سقط جنين، مجموعه مقالات دومين سمينار ديدگاه‌های اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، ۱۳۸۰
- ۸ - حرعالمی، محمد بن الحسن بن علی، وسائل الشيعه، قم، انتشارات موسسه آل البيت(ع)، چ دوم، ۱۴۱۴، مجلد ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۸، ۲۹
- ۹ - حسيني بهشتي، سيد محمد حسين، بهداشت و تنظيم خانواده، تهران، انتشارات بقره، چ اول، ۱۳۷۹
- ۱۰ - حسيني سيستاني، سيد علی، المسائل المنتخبه، قم، انتشارات مهر، ۱۴۱۴
- ۱۱ - خرازي، سيد محسن، تحديد النسل و التعقيم (۲)، فقه اهل البيت، شماره ۱۵
www.islamicfegh.org/
- ۱۲ - خوئي، سيد ابوالقاسم، مباني تكملة المنهاج، قم، انتشارات علميه، ۱۴۰۷، مجلد دوم
- ۱۳ - شهيد اول، اللمعه الدمشقيه، قم، دار الفكر، چ اول، ۱۴۱۱
- ۱۴ - شيخ طوسي، ابي جعفر محمد بن الحسن، الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامي، چ اول، ۱۴۱۷، ج ۵
- ۱۵ - طباطبائي حكيم، سيد محمد سعيد، فتاوى طليه (www.alhakeem.com)
- ۱۶ - العاملي الجبعي (شهيد ثاني)، زين الدين بن علي بن احمد، الروضه البهيه، قم، انتشارات داوري، ۱۴۱۰، المجلد الثاني
- ۱۷ - علي محمد زاده، خليل، پزشکی در آئينه اجتهاد، قم، شركت خدمات فني مبرور، چ اول، ۱۳۷۵
- ۱۸ - غانم، عمر بن محمد بن ابراهيم، احكام الجنين في الفقه الاسلامي، بيروت، دار ابن حزم، چ اول، ۲۰۰۱
- ۱۹ - كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، چ سوم، ۱۳۶۷، ج ۷
- ۲۰ - گلپايگانی، محمد رضا، ارشاد المسائل، بيروت، دار الصفوه، چ اول، ۱۴۱۳
- ۲۱ - مجاهدي، محمد جواد، سقط جنين، مجموعه مقالات دومين سمينار ديدگاه‌های اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، ۱۳۸۰
- ۲۲ - محسنی، محمد آصف، الفقه و مسائل طليه، قم، بوستان كتاب قم، چ اول، ۱۳۸۲، الجزء الاول
- ۲۳ - محقق حلي، شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، چ دوم، ۱۴۰۹، ج ۴
- ۲۴ - محقق داماد، سيد مصطفی، سقط جنين مجموعه مقالات دومين سمينار ديدگاه‌های اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، ۱۳۸۰
- ۲۵ - محمدی، ابوالحسن، مباني استنباط حقوق اسلامي يا اصول فقه، تهران، دانشگاه تهران، چ نهم، ۱۳۷۵
- ۲۶ - مشكيني، ميرزا علي، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم، دفتر نشر الهادي، چ پنجم، ۱۴۱۳
- ۲۷ - مكارم شيرازي، ناصر، بحوث فقيهيه مهمه، ۱۳۷۸، www.makaremshirazi.org/
- ۲۸ - ——— المسائل المستحدثه في الطب، القسم الثالث، فقه اهل البيت، ۱۳۷۷ العدد ۱۱ و ۱۲، ۹۵

- 29- Fletcher A., Garrett P., Gillon R., Rose H. and Fured A., Ethics and abortion for fetal abnormality, February 1998 (<http://www.prochoiceforum.org.uk/a112.asp>)
- 30- FRANCE.Law No. 79-1204 of 31 December 1979 and related laws, Journal Officiel, No. 1, 1 January 1980.
- 31- Europe's terms for terminations, Sunday, 2 June, 2002, 20:38 GMT 21:38 UK,<http://www.bbc.co.uk>.
- 32- Schenker J.G and Eisenberg V.H., "Ethical issues relating to reproduction control and women's health", International Journal of Gynecology and Obstetrics, Volume 58, Issue 1, July 1997.
 - Mille Nancy, H., Kenigs Laura, M., Pinkston ,M., David .J., "Physicians'attitudes towards medical abortion". Journal of Adolescent Health, Volume 20. Feb. 1997.
 - Rahman, A., Katzive, L., and Henshaw Stanley, K., A Global Review of Laws on Induced Abortion, 1985-1997, <http://www.prochoiceforum.org/lex/world02.htm>
 - State Abortion laws (American abortion Laws) - In 1967 Roe. V. Wade and In 1973 Parnenthhood.V. Casey <http://members.aol.com/abtrbng/abortl.htm> & <http://www.fringeweb.com/roewwade.html>
 - Summary of Abortion Laws Around the World, posted 15 Apr. 2002. (Abortion Policies: A Global Reveiw, 2001 by the United Nations, Department of Economic and Social Affairs Population Division)
<http://www.pregnantpause.org/lex/world>.
 - Willke Dr. and Mrs. J.C., Why can't we love them both, Abortion Information you can use, <http://www.abortionfacts.com>